

فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

صفحات: ۲۴۸-۲۳۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۵/۱۳



مسئولیت و پاسخگویی شرکت‌های سرمایه‌گذاری چند ملیتی در قبال آسیب‌ها و آلودگی‌های زیست‌محیطی

آیدا مخترع^۱، صادق زیبا کلام^{۲*}، داود هرمیداس باوند^۳، زهرا عابدی^۴

چکیده

علی‌رغم حمایت حقوق بین‌الملل از شرکت‌های چند ملیتی، تلاش‌های متعددی برای حصول اطمینان از پاسخگویی و مسئولیت این شرکت‌ها صورت گرفته است. یکی از نکات مهم در مورد پاسخ‌گویی و مسئولیت شرکت‌ها این است که در حالی که شرکت‌های چند ملیتی حق دارند، تحت قانون حمایت از سرمایه‌گذاری بین‌المللی باشند، اما این امر در تعادل با حقوق و وظایف مشابه آنها در سطح بین‌المللی نیست. این مقاله با به کارگیری روش تحلیل محتوایی و روش مطالعه کتابخانه‌ای، به بررسی این نکته می‌پردازد که همزمان با حمایت از شرکتهای سرمایه‌گذاری چند ملیتی در حقوق بین‌الملل، الزام این شرکتهای به پاسخگویی در قبال فعالیت‌های سرمایه‌گذاری توأم با تخریب و آلودگی محیط زیست مورد توجه قرار گیرد به گونه‌ای که همزمان با حمایت از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری شرکتهای چند ملیتی، بتوان آسیب‌ها و مخاطرات زیست‌محیطی ناشی از فعالیت‌های این شرکتهای را به حداقل رساند.

واژگان کلیدی: مسئولیت مشترک، پاسخگویی مشترک، مسئولیت مدنی، شرکتهای چند ملیتی، محیط زیست، سرمایه‌گذاری خارجی.

* دانشجوی دکتری حقوق محیط زیست، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

** استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

نویسنده مسئول: zibaklam@ut.ac.ir

*** دکتری تخصصی عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران-ایران.

**** عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع).

مقدمه

موضوع حقوقی پاسخگویی بین‌المللی شرکت‌های چند ملیتی در حوزه حقوق بین‌الملل، بیشتر در حقوق بشر مورد بررسی قرار گرفته است و ابتکارات بین‌المللی اخیر در مورد این موضوع، یک رویکرد مبتنی بر حقوق بشر را پذیرفته است. بنابراین تجزیه و تحلیل موازی در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌تواند ارزیابی نماید که آیا رویکرد مبتنی بر حقوق بشر می‌تواند انگیزه‌های بین‌المللی را با هدف اطمینان از پذیرش مسئولیت‌های زیست محیطی تقویت کند یا خیر؟ لازم به ذکر است که ابتکارات بین‌المللی در مورد پاسخگویی مشترک، انعطاف پذیر تر از آنچه که در حقوق بشر است؛ می‌باشد. از دیدگاه واقعی، نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های چند ملیتی و سازمان‌های اقتصادی دیگر، معمولاً در اثر صدمه محیط زیست به وجود می‌آید (Geron, 2004, 18). یک مثال در این زمینه، اکتشاف نفت در اکوادور است، جایی که عملیات Texaco باعث آلودگی گسترده زیست محیطی و نقض حق زندگی و سلامت جوامع محلی شده بود.^۱ یک مثال مشابه، عملیات کمپانی shell در نیجریه است، که در آن آسیب گسترده زیست محیطی، کل اکوسیستم منطقه اوگانی را تخریب کرد و منجر به نقض شدید حقوق افراد بومی گردید.^۲

عدم مسئولیت پذیری شرکت‌ها، یک قضیه حقوقی قابل توجه را به وجود آورده است که توسط نهاد‌های نظارتی حقوق بشر توسعه یافته است. این امر واقعیت همکاری بالقوه بین حقوق بین‌الملل محیط زیست و حقوق بین‌الملل بشر را در تضمین مسئولیت پذیری شرکت‌های خصوصی در سطح بین‌المللی و با توجه به استانداردهای بین‌المللی برجسته می‌کند (Geron, 2004, 29). ارتباطات بین حقوق بشر و حقوق بین‌الملل محیط زیست به طور گسترده‌ای توسط سازمان‌های بین‌المللی و نظریه پردازان به رسمیت شناخته شده است. به عنوان مثال، نظریه عمومی شماره ۱۴ کمیته

^۱ Inter-American Commission of Human Rights, 'Report on the Situation of Human Rights in Ecuador' (۲۴ April ۱۹۹۷) OEA/ser. L/V/II.۹۶, doc ۱۰ rev ۱; Ch ۶.

^۲ African Commission on Human and Peoples' Rights, 'The Social and Economic Rights Action Centre and the Centre for Economic and Social Rights/Nigeria' (2001) Communication ۱۵۵/۹۶, Case No. ACHPR/COMM/A۰۴/۱, para. ۵۰; Ch ۶.

مسئولیت و پاسخگویی شرکت‌های سرمایه‌گذاری چند ملیتی در قبال آسیب‌ها و آلودگی‌ها... ۲۳۵

حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سازمان ملل متحد در خصوص حق دسترسی به بالاترین میزان استانداردهای قابل قبول برای بهداشت و سلامت، پیمان را با توجه به حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تفسیر می‌کند و نیز به طور مستقیم کسب و کار را مورد توجه قرار داده است. این امر روشن می‌کند که نقض تعهد به حفاظت، از ناتوانی و قصور دولت برای اتخاذ اقدامات لازم جهت محافظت از افراد در برابر نقض حق سلامت توسط اشخاص ثالث، پیروی می‌کند. در نتیجه شرکت‌ها را شامل گردیده، و وظیفه تصویب یا اجرای قوانین برای جلوگیری از آلودگی آب، هوا یا خاک ناشی از صنایع استخراجی و تولیدی را تعیین می‌نماید. سوال دیگری که نیاز به پاسخ دارد این است که آیا حقوق بین‌الملل در مورد مردم بومی ابراری برای حفاظت از محیط زیستی که در آن، جوامع بومی زندگی می‌کنند؛ فراهم کرده است، با توجه به این واقعیت که آسیب زیست محیطی ناشی از بهره‌برداری از منابع طبیعی در زمینهای سنتی آنها و یا مناطق مجاور توسط شرکت‌های چند ملیتی حقوق مردم بومی را به خودی خود متاثر کرده و زندگی سنتی و فرهنگ و آیین‌های مذهبی آنها را نابود کرده است. (Ruggie, 2008, 46) علاوه بر این، یک ارزیابی در مورد اینکه آیا حقوق قانونی برای مشارکت در تصمیم‌گیری، و دسترسی به اطلاعات مربوط به محیط زیست و عدالت، در ارتباط حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل محیط زیست، ابزار دیگری را برای تضمین پایداری محیط زیست فراهم می‌کند؛ انجام شد.

۱- مفهوم مسئولیت مشترک و پاسخگویی مشترک

مفهوم مسئولیت مشترک بر این استوار است که انتظار می‌رود شرکت‌های خصوصی نباید اقدامات خود را صرفاً بر اساس نیاز و منافع سهامداران خود انجام دهند؛ بلکه باید به تعهدات و الزامات نسبت به جامعه‌ای که شرکت در آن فعالیت دارد نیز پایبند باشد.

مسئولیت مشترک، ارزش‌ها و نگرانی‌های زیست محیطی را مطابق با قوانین و مقررات ملی شامل می‌گردد. علاوه بر این انتظار می‌رود که شرکت‌های چند ملیتی به تعهداتی فراتر از حقوق ملی کشور احترام بگذارند؛ مخصوصاً در جایی که در حوزه مشارکت در توسعه پایدار فعالیت می‌کنند. علاوه بر این، اقدام جامعه بین‌المللی در اعطای حق فعالیت و عملیات بین‌المللی به شرکت‌های چند ملیتی از طریق آزادسازی

۲۳۶ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

تجارت و سرمایه‌گذاری باید از طریق حقوق و عوارض وضع شده متناسب، متعادل گردد.

با اشاره به مفهوم وجدان مشترک، مسئولیت شرکتها به وسیله ضرورت حفظ آگاهی نسبت به محیط زیست به عنوان پیشرفت اقتصادی ناشی از پیشرفت‌های گوناگون در استانداردهای زندگی مشخص شده است.

حتی از منظر اقتصادی پذیرش اینکه یک شرکت فراملیتی درگیر انواعی از مسئولیت در سطح جهانی است منجر به این نتیجه‌گیری می‌شود که استانداردها و معیارهای حفاظت از محیط زیست باید در هر جایی که یک شرکت فراملیتی فعالیت می‌کند وجود داشته و رعایت گردد. مسئولیت مشترک در بردارنده تقاضای روز افزون نسبت به شرکت‌های فراملیتی برای در نظر گرفتن و رعایت مفاهیم و استانداردهای زیست محیطی در اقدامات و فعالیت‌های خودشان است؛ صرف نظر از اینکه تعهدات قانونی معین آنها مستلزم این امر است که آنها باید چنین کاری را انجام دهند یا خیر. (Ong, ۲۰۰۱, ۲۵) به طور کلی مسئولیت مشترک به عنوان پیش فرض در شخصیت شرکتها از طریق تمرکز بر رفتار آتی شرکتها به جای رفتارهای گذشته آنها در نظر گرفته شده است.

بنابراین مسئولیت اشاره دارد به نیاز به استانداردهای اساسی مربوط به سهم شرکت‌های فراملیتی در ترویج و دستیابی به توسعه پایدار از طریق اجرای سیاستها، شیوه‌ها و فن‌آوری‌های سازگار با محیط زیست. این نتیجه‌گیری در ابتدا توسط نماینده ویژه سازمان ملل در موضوع حقوق بشر و شرکت‌های فراملیتی پذیرفته شد که در سال ۲۰۰۷ به وضوح برای اولین بار به مسئولیت مشترک به عنوان تعهدات قانونی، اجتماعی و اخلاقی شرکتها اشاره کرد.

هر چند در گزارش بعدی خود نماینده ویژه به مفهوم مسئولیت مشترک در رابطه با حقوق بشر به عنوان اساس و مبنای مورد انتظار برای تمام شرکتها در همه شرایط برای عدم ایراد خسارت و صدمه برای اجتناب از به مخاطره افتادن حقوق بشر، اشاره نمود. (Ruggie, ۲۰۰۸, ۲۹) اما در گزارش ۲۰۰۸ خود نماینده ویژه با دقت، از اشاره صریح و آشکار به تعهدات اجتناب نمود.

پاسخگویی به طور کلی اشاره دارد به شیوه‌ای که در آن بازیگران دولتی و خصوصی به عنوان مسئول و جوابگو برای تصمیمات و عملیات خود مطرح می‌شوند و

مسئولیت و پاسخگویی شرکت‌های سرمایه‌گذاری چند ملیتی در قبال آسیب‌ها و آلودگی‌ها... ۲۳۷

انتظار می‌رود که نسبت به سوالات و درخواستهای گروههای ذی‌نفع، سهامداران و گروههای متأثر از فعالیتهای شرکت پاسخگو و متعهد باشند.

این شرکتها باید در پروسه‌های تصمیم‌گیری و همچنین عملیات اجرایی خود توسط سایر طرفهای متأثر و ذی‌نفع از فعالیتهای شرکت، مورد قضاوت و نظارت قرار گیرند. بر پایه این فرض است که شرکت‌های چند ملیتی به طور خاص هم شهروند جهانی و هم شهروند محلی هستند. بنابراین باید پاسخگو به گروهها و مقامات بیشماری باشند. در نتیجه پاسخگویی مشترک دلالت می‌کند از یکسو بر گسترش توجه سهامداران در یک کمپانی فراتر از یک سهامدار، به طوری که شامل همه گروههای تحت تاثیر فعالیتهای شرکت از قبیل دولتها، کارکنان، هیئت‌مدیره، سرمایه‌گذاران، مصرف‌کنندگان، تامین‌کنندگان و جوامع محلی که در محل فعالیت شرکت واقع شده است و جامعه مدنی و عموم مردم می‌شود. (Ong, ۲۰۰۱, ۷۱۹)

در این باره این موضوع مورد توجه قرار گرفته است که بسیاری از کدهای رفتاری داوطلبانه وضع شده بوسیله چندین شرکت فراملیتی، توسط شرکت‌های بزرگ جهان مورد پذیرش قرار گرفته است که بر این اساس آنها باید انتظارات عمومی را در زمینه رفتار سازگار با محیط زیست برآورده نمایند.

پاسخگویی مشترک باید از مفهوم نظارت مشترک، که به یک فرایند داخلی در درون یک نهاد اقتصادی برای پاسخ دادن به انتظارات اجتماعی در مورد رفتار صحیح زیست محیطی آنها اشاره دارد؛ متمایز باشد.

نظارت درون سازمانی و مشترک به پدیده خودگردانی اشاره دارد، یعنی سیاستها و شیوه‌هایی که اقتصاد به دلیل آگاهی و درک از ارتباط حقوق بین‌الملل با عملیات آنها و فشار از سوی جامعه مدنی به طور ارادی و داوطلبانه پذیرفته است. هر چند نظارت مشترک ممکن است درجه‌ای خاص از پیوند متقابل با پاسخگویی مشترک را در پذیرش و تصویب استانداردهای بین‌المللی مشابه تجربه کند.

مفاهیم مسئولیت و پاسخگویی مشترک در نهایت به ۲ روش حقوقی متفاوت در نشان دادن نقش اقتصاد و مخصوصاً شرکت‌های فراملیتی در حفاظت جهانی از محیط زیست اشاره دارند.

مجمع عمومی سازمان ملل این دوگانگی را به طور ضمنی در سال ۲۰۰۵، به هنگام تعیین ماموریت نماینده ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر و شرکت‌های فراملیتی از منظر شناسایی و اصلاح معیارهای مسئولیت و پاسخگویی مشترک به رسمیت شناخت.

۲۳۸ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

مسئولیت مشترک به نیاز به معیارها و استانداردهای نتیجه‌گرا برای رفتار شرکت‌های چند ملیتی و سایر شرکت‌های بین‌المللی که فراتر از معیارها و استانداردهای ملی کشور میزبان در زمینه اطمینان از همکاری و کمک مستقیم مشترک در حفاظت از محیط زیست و به طور کلی توسعه پایدار عمل می‌کنند؛ اشاره دارد. (Ong, ۲۰۰۱, ۴۸۷)

از سوی دیگر پاسخگویی مشترک به نیاز به استانداردها و معیارهای عملی و مبتنی بر رویه از لحاظ شفافیت، گزارش دهی و افشای اطلاعات به عموم مردم اشاره دارد، در نتیجه بر ابزار غیر مستقیم برای دستیابی به رفتار سازگار با محیط زیست شرکت‌های فراملیتی، بر اساس انتظارات عمومی، متمرکز است. کنفرانس‌های جهانی محیط زیست به طور فزاینده‌ای با نقش اقتصاد در رشد و توسعه پایدار سروکار دارند. اعلامیه استکهلم و دستور کار ۲۱ به طور مداوم به مسئولیت مشترک اشاره دارد.

هر چند اختلاف عمده هنوز در مساله شناسایی تعهدات برای مسئولیت مشترک وجود دارد. در این رابطه اتحادیه اروپا به استفاده از اصطلاح مسئولیت مشترک در گزارش سال ۲۰۰۸ نماینده ویژه سازمان ملل اعتراض نمود و اعلام کرد که این اصطلاح ممکن است صرفاً بر الزام و تعهد قراردادی، اخلاقی و یا داوطلبانه شرکتها دلالت کند. از سوی دیگر اجماع جهانی بر اساس قواعد نظارت صحیح زیست محیطی از جمله دسترسی، مشارکت، تسهیلات، مقررات مناسب و یک مبنای اکوسیستم که همچنین مورد انتظار برای اجرا بوسیله بخش خصوصی هستند؛ ایجاد گردید.

نکته مهم این است که با تجزیه و تحلیل رشد سریع تلاش بین‌المللی در ارتباط با تعریف و اجرای مفهوم جدید پاسخگویی مشترک، راهی برای تشویق شرکت‌های خصوصی برای شفاف سازی و مشارکت آنها در کمک به حفاظت از محیط زیست به منظور پاسخگویی به انتظارات جامعه بین‌المللی در این زمینه، ارائه شود.

تعارضات و محدودیت‌های ذاتی در ارتباط با بخش‌هایی از حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی، پایه و اساس ایجاد مفهوم پاسخگویی مشترک در حقوق بین‌الملل محیط زیست هستند. اطمینان از رفتار و عملکرد اقتصادی سازگار با محیط زیست بر اساس حقوق بین‌الملل از نظر تعیین مسئولیت و یا ضمانت اجرای کیفری و مدنی در حقوق بین‌الملل محیط زیست به طور قابل توجهی محدود می‌باشد. تنش و اختلاف در دو حوزه مرتبط از حقوق بین‌الملل یعنی حمایت از سرمایه گذاری خارجی که از حقوق

مسئولیت و پاسخگویی شرکت‌های سرمایه‌گذاری چند ملیتی در قبال آسیب‌ها و آلودگی‌ها... ۲۳۹

بشر است و بحث درباره وضعیت شرکت‌های چند ملیتی در حقوق بین‌الملل، نیز به دلایل توسل به معیارهای پاسخگویی مشترک افزوده می‌شود.

۲- محدودیت‌های حقوق بین‌الملل در مورد مسئولیت دولت

مفهوم مسئولیت دولت به این معنی است که کشورها باید مسئولیت اعمال و فعالیت‌های مخرب و آسیب‌رسان به محیط زیست از سوی شرکتها و افراد تحت تابعیت و حمایت آنها که تحت نظارت آنها بوده و انواع مختلفی از حمایت‌ها و مشوق‌ها را دریافت نموده‌اند؛ را بپذیرد. برخی حقوق‌دانان معتقدند که مسئولیت مدنی شرکت‌های سرمایه‌گذاری به طور کلی بهترین ابزار برای جبران خسارت ناشی از آسیب‌های زیست‌محیطی برون مرزی می‌باشد و مسئولیت دولت، به عنوان یک جایگزین در آخرین گام، زمانی که طرفهای خصوصی مسئول آسیب‌ها و خسارات نباشند و یا ناتوان و ورشکسته برای جبران خسارت و پرداخت غرامت باشند؛ قابل اجرا می‌باشد. (Higgins, ۱۹۹۴, ۵۸۱) اصولاً عرف بین‌المللی نشان‌دهنده عدم تمایل دولت‌ها برای کاهش آسیب زیست‌محیطی از طریق قوانین سنتی مسئولیت دولت می‌باشد. درصد بسیار کمی از حوادث بین‌المللی زیست‌محیطی چنین ادعایی را مطرح کرده است. (Birnie and Boyle, ۲۰۰۲, ۱۵۸). به عنوان مثال، در پرونده Sandoz، زمانی که یک شرکت چند ملیتی فعال در سوئیس موجب پخش گسترده جیوه در رودخانه راین شد، دولت سوئیس به دولت فرانسه، پیشنهاد داد تا اکوسیستم آسیب‌دیده را ترمیم و خسارت وارده را پرداخت کند؛ بدون تایید مسئولیت بین‌المللی اش برای اتفاقات رخ داده. به عبارت دیگر علی‌رغم اینکه تقصیر سوئیس در ممانعت از بروز آسیب زیست‌محیطی برون مرزی و اطلاع‌رسانی به موقع به دیگر کشورهای وابسته، کاملاً آشکار بود؛ هیچ‌یک از دولت‌های پایین دست، انتظار راه‌های جبران دیگری را از سوئیس برای نقض قوانین بین‌المللی نداشتند.

به طور مشخص، دولت‌ها اصل مسئولیت را مورد تاکید قرار می‌دهند؛ اما در آرایه‌های دوجاره‌ای دقیق تردید میکنند و حتی فراتر از آن، علاقه‌ای به استفاده از آن در برابر دولت‌های دیگر ندارند. بنابراین، رویه بین‌المللی بر نوعی "مسئولیت نرم" متکی است. دولت‌ها خسارت وارده را پرداخت می‌کنند اما از پذیرش مسئولیت در سطح بین‌دولتی اجتناب می‌نمایند. در مقابل این پیش‌زمینه، بعید به نظر می‌رسد که کشورهای

۲۴۰ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

مبدأ شرکت‌های چند ملیتی مسئولیت آسیب‌های زیست‌محیطی شرکت‌های چند ملیتی را در خارج از کشور قبول کنند. می‌توان نتیجه گرفت که قوانین بین‌المللی در مورد مسئولیت‌های دولتی، محدودیت‌های قابل توجهی را برای کمک به پاسخ دادن به اثرات و آسیب‌های منفی زیست‌محیطی شرکت‌های چند ملیتی از خود نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن نقش محدود قانون ملی و مسئولیت دولتی در تضمین رفتار سازگار با محیط زیست از سوی شرکت‌های خصوصی، لازم است به نقش حقوق بین‌الملل محیط زیست در این زمینه پرداخته شود.

۳- رژیم‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی برای خسارت‌های زیست‌محیطی:

حقوق بین‌الملل محیط زیست شامل چندین رژیم مسئولیت مدنی می‌باشد که مستقیماً، عامل خصوصی برای آسیب زیست‌محیطی را مورد هدف قرار می‌دهد. این امر منجر به ایجاد و توسعه شبکه و سیستمی از "رژیم‌های موثر" در زمینه آلودگی نفت، حمل و نقل کالاهای خطرناک از طریق زمین و دریا، انتقال فرامرزی زباله‌های خطرناک، تولید انرژی هسته‌ای، فعالیت‌های دریایی و فعالیت‌های انسانی در قطب جنوب، گردیده است.

بنابراین، حقوق بین‌الملل محیط زیست به هماهنگی بین‌المللی حداقل استانداردهای مسئولیت در قوانین ملی، در موارد خاص متوسل گردیده است که در آن مسئولیت زیست‌محیطی بخش خصوصی مهمترین مسئله تلقی گردیده است. به این معنا که، می‌توان گفت توافقنامه مسئولیت مستقیم را بر عوامل ایراد خسارت اعمال می‌نماید. راه حل پذیرفته شده برای جلوگیری از فعالیت‌های زیان‌بار و مضرو مقابله با آسیب‌های زیست‌محیطی، انتقال این موضوع از سطح دولتی به سطح فردی، و از حقوق بین‌الملل عمومی به حقوق خصوصی است. چنین روندی حاصل ترجیح دولتها برای هدایت مسئولیت خسارت زیست‌محیطی به فعالان و متصدیان خصوصی به جای استفاده از قانون بین‌المللی مسئولیت دولتی می‌باشد. از دیدگاه رژیم‌های مسئولیت مدنی در حقوق بین‌الملل محیط زیست، اولویت جامعه بین‌المللی را می‌توان برای مسئولیت سختگیرانه و محدود متصدیان در بخش‌های خاص حفاظت از محیط زیست، بدون توجه به مسئولیت‌های دولتی به عنوان یک گزینه باقی مانده در نظر گرفت. (Ako, ۲۰۰۵, ۳۵)

مسئولیت و پاسخگویی شرکت‌های سرمایه‌گذاری چند ملیتی در قبال آسیب‌ها و آلودگی‌ها... ۲۴۱

بنابراین، هدایت مسئولیت به آلوده‌کننده (اپراتور یا متصدی)، صرف نظر از تقصیر او، مبنای اصلی است که، گروه با بیشترین تاثیر کنترل ریسک در زمان حادثه، مسئول اصلی است. مسئولیت محض به طور کلی همراه با هزینه مالی اضافی است برای پرداختن به ادعاهای خسارت با استفاده از بودجه عمومی یا بودجه‌های دولتی، یا از طریق یک صندوق سرمایه‌گذاری مشترک از منابع ایجاد شده یا حتی توسط مشارکت متصدیان از همان نوع مشابه از فعالیت‌های خطرناک یا کسانی که منفعت مستقیم فعالیت خطرناک را کسب می‌کنند. رژیم‌های مسئولیت زیست محیطی بین‌المللی موجود، معمولاً دامنه و قلمرو محدودی دارند.

در ارزیابی رژیم‌های مسئولیت مدنی بین‌المللی به عنوان ابزارهای لازم جهت تضمین رفتار سازمانی سازگار با محیط زیست باید اشاره کرد که آنها قادر به ارائه انگیزه کافی برای عامل آسیب نیستند تا اقدامات سختگیرانه‌ای را برای پیشگیری یا رعایت تمام مطالبات قانونی و مشروع برای جبران خسارت قربانیان بی‌گناه انجام دهد. اگر چه آنها سوابق و رویه‌های از منظر بین‌المللی قابل قبول برای ایجاد برخی خطرات مشخص ارائه دادند، هیچ‌یک از این طرحها پرداخت غرامت توسط آلوده‌کننده را به طور کامل اجرا نمی‌کند. در مجموع، هماهنگ‌سازی مسئولیت زیست محیطی محدود به طرح‌های خاص بین‌المللی برای فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک، است. بنابراین خلاء فعالیت‌ها یا مکانهای جغرافیایی که توسط ابزار بین‌المللی تحت پوشش قرار نمی‌گیرند را نمی‌تواند پر کند. (Birnie and Boyle, ۲۰۰۲, ۲۸۶) مهمتر از همه، نرخ پایین تصویب و تعدیل چند معاهده مسئولیت مدنی و همچنین فشار مالی که طرح‌های مسئولیت برای بودجه عمومی و نهادهای خصوصی و از همه مهمتر بخش بیمه دارند، نشان دهنده بی‌میلی واقعی دولت‌ها با توجه به عواقب ناشی از نقض تعهدات بین‌المللی است. یکی از مهمترین پیمان‌های مسئولیت مدنی محیط زیست، کنوانسیون Lugano ۱۹۹۴ شورای اروپا در مورد مسئولیت مدنی برای خسارات ناشی از فعالیت‌های خطرناک محیط زیست است، که پس از سالها مذاکره تصویب نشد. در همان راستا، پروتکل بازل در سال ۱۹۹۹، تصویب شد و کنوانسیون بین‌المللی مسئولیت و جبران خسارت ناشی از انتقال مواد خطرناک و مضر از طریق دریانوردی تصویب شده در سال ۱۹۹۶، تاکنون به تأیید مجدد دست نیافته است. مثال دیگری که جالب است کنوانسیون ۱۹۷۷ مسئولیت مدنی برای آلودگی‌های نفتی ناشی از اکتشاف و بهره‌برداری از منابع معدنی دریایی است. زیرا در آن زمان از مذاکرات، شرکت‌های نفتی به

۲۴۲ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

طور موازی در میان خود توافقنامه مسئولیت آلودگی دریایی را منعقد می‌کردند. میتوان نتیجه گرفت در حالی که دولت‌ها قوانین زیست محیطی را به طور قابل توجهی توسعه داده‌اند، آنها به طور همزمان در توافق در مورد قوانین مربوط به مسئولیت بی‌علاقه هستند. چنین تنگنایی در حقوق بین‌الملل در واقع یکی از مشکلات اصلی است که در مذاکرات مداوم در مورد مسئولیت مدنی تحت پروتکل ایمنی بیولوژیک نیز بروز نمود. با وجود این، اصل ۱۳ ریو از دولتها خواست تا حقوق بین‌الملل را در مورد مسئولیت و جبران خسارت قربانیان آلودگی و دیگر آسیبهای زیست محیطی توسعه دهند، و نیز اجرا و توسعه مسئولیت زیست محیطی تا حد زیادی یک وظیفه خطیر است که به نتایج محدود منجر شده است. بنابراین، همانگونه که از مذاکرات کنفرانس‌های جهانی محیط زیست استنباط می‌شود؛ این یکی دیگر از دلایل عدم تمایل دولت‌ها به مسئولیت‌پذیری بخش خصوصی است. (Birnie and Boyle, 2002, 280)

طبق مطالعات Boyle و Birnie توسعه لازم و اجتناب‌ناپذیر در حقوق بین‌الملل محیط زیست این است که به عنوان پاسخ اصلی قانون به فعالیت‌های مضر زیست محیطی، که استفاده روزافزون از نظارت رسمی به عنوان شکل اولیه حل اختلافات زیست محیطی و محدودیت استفاده از نهاد قضایی را توضیح می‌دهد، توجه بیشتری به مسئولیت در قبال آسیب داشته باشد. (Birnie and Boyle, 2002, 281)

۴- استانداردهای قانونی رفتار برای شرکت‌های خصوصی در حقوق

بین‌الملل محیط زیست

حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌تواند به عنوان خواست دولت‌ها برای تنظیم رفتار بازیگران غیردولتی که منبع آسیب به محیط زیست هستند، تلقی گردد. در حالی که به ندرت، به طور صریح از بازیگران غیردولتی در شرکت‌های تجاری خاص نام می‌برد. اجرای مقررات بین‌المللی محیط زیست نقش ویژه‌ای برای شرکت‌های خصوصی ایفا نمی‌کند؛ بلکه به دولت‌ها کمک می‌کند تا قوانین لازم برای هدایت و کنترل رفتار این بازیگران در قلمرو تحت صلاحیت خود را تصویب نمایند. (Ong, 2001, 687).

دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) به حفظ تعادل محیط زیست زمین به عنوان یک ضرورت اساسی برای حفاظت از جامعه جهانی، نام می‌برد. بنابراین بیشترین قسمت از حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌تواند به عنوان تعهدات *erga omens* دیده شود. آنچه که هر کشوری برای محافظت از محیط زیست در برابر فعالیت‌های بازیگران غیر

مسئولیت و پاسخگویی شرکت‌های سرمایه‌گذاری چند ملیتی در قبال آسیب‌ها و آلودگی‌ها... ۲۴۳

دولتی تحت صلاحیت قضایی اش انجام می‌دهد؛ آن است که حداقل در برخی موارد از یک "نگرانی عمومی" گرفته تا کل جامعه بین‌المللی، منافع مشترک همه کشورها در قالب‌های خاصی از حفاظت زیست محیطی رعایت گردد. نگرانی در مورد آسیب زیست محیطی توسط شرکت‌های خصوصی، به ویژه شرکت‌های چند ملیتی، همراه با نیاز به اطمینان از جبران خسارت قربانیان، یک گزینه جدید در دستور کار بین‌المللی نیست (Birnie and Boyle, ۲۰۰۲, ۲۸۹) از سوی دیگر، سازمان ملل تصمیم گرفت تا جهت حل مشکل در اولین قدم، یعنی در طی مذاکرات پیش‌نویس قانون رفتار بین‌المللی شرکتها، در سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۹۰ قواعد رفتاری شرکت‌های چند ملیتی را در سطح بین‌المللی تنظیم نماید.^۳ از سوی دیگر، همچنین در سال ۱۹۷۰ سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی (OECD) شروع به بررسی مسائل مربوط به آسیب زیست محیطی ناشی از شرکت‌های خصوصی و موضوعات مرتبط با دسترسی به عدالت نمود.^۴ بنابراین، موضوع تضمین رفتار صحیح سازمانی زیست محیطی، مستلزم توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست از مراحل اولیه خود است و این در حالی است که هنوز به یک راه حل کاملاً رضایت‌بخش دست نیافته است. رویکرد سنتی به این مشکل در حقوق بین‌الملل محیط زیست ایجاد سازمان‌های بین‌المللی برای مسئولیت مدنی بوده است. دیگر راه حل‌های پیشنهادی نیز به رژیم‌های بین‌المللی برای مسئولیت کیفری توجه دارند. هر دو روش، با این حال، نقاط ضعفی دارند، که تمرکز بر استانداردهای زیست محیطی بین‌المللی را توجیه می‌کنند. اصولاً به نظر می‌رسد کشورها تمایلی برای استفاده از ابزارهای سنتی حقوق بین‌الملل ندارند تا بتوانند به طور موثر از رفتار سازمانی سازگار با محیط زیست اطمینان حاصل کنند.

با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در بالا در مورد رژیم‌های بین‌المللی مسئولیت مدنی زیست محیطی و نیز جنایات بین‌المللی زیست محیطی، دو مساله در ارتباط با پاسخگویی مشترک زیست محیطی بوجود می‌آید. اولین مسئله این است که آیا

^۳ UNCTC, 'Proposed Text of the Draft Code of Conduct on Transnational Corporations' (۱۲ June ۱۹۹۰) UN Doc E/۱۹۹۰/۹۴, paras. ۴۰-۴۳ (Draft Code of Conduct on Transnational Corporations); Ch ۵.

^۴ OECD, Recommendation of the Council on Principles Concerning Transfrontier Pollution' (۱۴ November ۱۹۷۴) C(۷۴) ۲۲۴;

۲۴۴ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

استانداردهای قانونی ناشی از حقوق بین‌الملل محیط زیست و تعهدات بین‌الدولی که ممکن است با هم تعارض و برخورد داشته باشند، در مورد شرکت‌های خصوصی به خصوص شرکت‌های چند ملیتی کاربرد پیدا می‌کند. سوال دوم این است که چگونه این استانداردها می‌توانند اجرا شوند و یا به عبارت دیگر در شرکت‌های خصوصی مورد توجه و رعایت قرار گیرند (Birnie and Boyle, ۲۰۰۲, ۲۸۵)

با توجه به اولین سوال، قطعنامه ۱۹۹۱ شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد (UNECOSOC) در حال حاضر به رعایت اصول بین‌المللی محیط زیست توسط شرکت‌های چند ملیتی اشاره دارد، بویژه اصل پرداخت غرامت توسط آلوده کننده،^۵ اصل پیشگیری و اصل احتیاط. در گزارش ۱۹۹۱ دبیر کل سازمان ملل متحد به کمیسیون شرکت‌های فراملیتی پیشنهاد شد که وقتی استانداردهای محیط زیستی از طریق سیاست‌ها و مذاکرات بین دولتی پذیرفته می‌شوند، از شرکت‌های فراملیتی انتظار می‌رود که فعالیت‌هایشان را مطابق با آن انجام دهند، چرا که چنین سیاست‌هایی بیانگر حداقل استانداردهای مورد توافق بین‌المللی است. بنابراین بحث شد که وجود حداقل استانداردهای بین‌المللی زیست محیطی پذیرفته شده بوسیله کشورها، ممکن است انتظارات منطقی و قابل قبولی در جامعه بین‌المللی به عنوان رفتار سازگار با محیط زیست از شرکت‌های فراملیتی ایجاد کند. (Sands, ۱۹۹۲, ۳۹)

در سال ۱۹۹۲، اولین مطالعه حقوقی در مورد حقوق بین‌الملل محیط زیست و عواقب آن برای شرکت‌های خصوصی، به ویژه شرکت‌های فراملیتی، توسط کمیته توسعه اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل به فیلیپ سندز سپرده شد. در گزارش نهایی، تحت عنوان "پیامدها و روند در حال ظهور شرکت‌های فراملیتی" در حقوق بین‌المللی محیط زیست، سندز نتیجه گرفت که تحولات شناسایی شده نشان می‌دهد که حداقل استانداردهای بین‌المللی حفاظت از محیط زیست که می‌تواند توسط شرکت‌های فراملیتی به عنوان پایه و اساسی برای فعالیت‌های جهانی آنها مورد پذیرش قرار گیرد صورت گرفته است. بنابراین، سندز نشان داد که استانداردهای بین‌المللی زیست محیطی مربوط به شرکت‌های چند ملیتی را می‌توان در صورتی که توسط شرکتها مورد پذیرش قرار گیرد برای بخش خصوصی نیز قابل استفاده دانست. تشویق شرکت‌های خصوصی برای انجام این کار ممکن است منجر به پیامدهای منفی از قبیل تغییر محیط

^۵ Principle of Polluter Pays (PPP)

مسئولیت و پاسخگویی شرکت‌های سرمایه‌گذاری چند ملیتی در قبال آسیب‌ها و آلودگی‌ها... ۲۴۵

نظارتی بین‌المللی برای هزینه‌ها و فرایندهای تولید شرکت‌ها، تصمیمات سرمایه‌گذاری خارجی، افشاء اطلاعات، شیوه‌های بازاریابی و مسئولیت‌پذیری شرکت‌ها گردد. (Sands, ۱۹۹۲, ۵۷)

استانداردهای خاص بین‌المللی مشخص شده توسط مطالعه Sands '۱۹۹۲ مربوط به کسب و کار عبارت بود از: استفاده پایدار از منابع طبیعی، برآورد و تعیین خسارتهای زیست‌محیطی و افشای اطلاعات به شهروندان و مراجع بین‌المللی. یک مقاله در سال ۱۹۹۷ توسط دیوید اونگ پیامدهای تحولات حقوق بین‌الملل محیط زیست را بر صنعت نفت و نیز استانداردهای بین‌المللی شناخته شده برای شرکت‌های خصوصی نشان می‌داد که عبارت بودند از استفاده از روشها و تکنیکها برتر، پیشگیری از آلودگی، اصل پرداخت غرامت توسط آلوده‌کننده، احتیاط، کارایی و بهره‌وری زیست‌محیطی، گزارش دهی و مسئولیت مشترک اما متمایز. در یک مقاله دیگر توسط همان نویسنده، او در مورد اینکه آیا اصول زیست‌محیطی مورد توافق بین‌المللی نقشی در این نامه‌ها و مقررات داخلی شرکت‌ها ایفا میکند (حاکمیت و نظارت شرکت) به بحث پرداخت. اونگ بر اهمیت پیشگیری، اصل پرداخت خسارت توسط آلوده‌کننده، و احتیاط در مدیریت و نظارت مشترک و از همه مهمتر یکپارچگی و اتحاد زیست‌محیطی تاکید نمود. (Ong, ۲۰۰۱, ۳۶۴).

با اشاره به رفتار مورد انتظار شرکت‌های چند ملیتی و دیگر مجموعه‌های اقتصادی بسیاری از این استانداردها بارها مورد توجه سازمان ملل متحد، OECD، سازمان‌های نظارتی حقوق بشر و موسسات مالی بین‌المللی قرار گرفته‌اند، به این ترتیب یک جنبه رو به رشد از حقوق نرم و رویه بین‌المللی در این زمینه ایجاد شد. (Ong, ۲۰۰۱, ۶۸۷)

نتیجه گیری:

با توجه به مطالب ذکر شده، آنچه حائز اهمیت می باشد، نقش شرکت ها در رابطه با نگرانی های زیست محیطی است، به طوری که از شرکت ها انتظار می رود که به عنوان شریک دولت در اجرای حقوق بین الملل عمل کنند. بنابراین، حداقل در برخی از دکترین ها بدیهی و آشکار به نظر می رسد که انتظارات مشروع (که هنوز یک تعهد قانونی نیستند) را برای شرکت ها ایجاد کند تا از آن برای استفاده از قدرت و نفوذ خود به نحوی که اهداف حقوق بین الملل محیط زیست را ترویج کند بهره برند. اصولاً اقدامات سازمان های بین المللی در این راستا به عنوان یک "تلاش" برای سازماندهی مجموعه ای جامع از انتظارات زیست محیطی در مورد شرکت های چند ملیتی شناخته شده اند.

به طور کلی به نظر می رسد که پاسخگویی، رفتار بهتر و منطبق بر ملاحظات زیست محیطی شرکتها بدون توسل به اقدامات قهری و اجباری را تشویق میکند و بیشتر بر نیاز به حفظ اعتبار و قدرت اقتصادی شرکت در مواجهه با ذی نفعان تاکید میکند. همچنین پاسخگویی به نتیجه ای که باید از طریق رفتار مشترک صحیح از منظر زیست محیطی در برابر انتظارات عمومی بدست آید اشاره دارد.

پاسخگویی به جای اشاره به کنترل اجتماعی، بیشتر معطوف به ایده هدایت و ارشاد اجتماعی و پیشگیری می باشد. از طریق تمرکز بر وسیله به جای تمرکز بر نتیجه، مفهوم پاسخگویی این نکته را می رساند که حفاظت از محیط زیست وظیفه انحصاری و مهم صرفاً بخش خصوصی نیست. بلکه باید به بسیاری از عوامل دیگر از جمله عوامل داخلی توجه نمود. همچنین تلاش برای ایجاد چهارچوب شفاف و مشارکتی برای تصمیم گیری با توجه به استانداردهای بین المللی بوسیله شرکت های خصوصی به منظور حفاظت از منابع و نیز دستیابی به یک نتیجه خاص زیست محیطی لازم می باشد. همین نتیجه گیری در سال ۲۰۰۷ توسط نماینده ویژه سازمان ملل در مورد حقوق بشر و شرکت های فراملیتی بدست آمد که پاسخگویی را به عنوان مکانیسم هایی برای پایبند نگهداشتن شرکتها در قبال تعهدات بر اساس مشارکت، شفافیت و بازبینی و تجدید نظر تعریف نمود.^۶

^۶ Special Representative Report, ۲۰۰۷, paras. ۶ and ۵۶.

مسئولیت و پاسخگویی شرکت‌های سرمایه‌گذاری چندملیتی در قبال آسیب‌ها و آلودگی‌ها... ۲۴۷

از منظر حاکمیت ایده پاسخگویی بخش خصوصی به ویژه با نقش جامعه مدنی در حفاظت از محیط زیست در ارتباط است. به عنوان مثال پیشنهاد می‌شود که NGO ها باید نقش مراقب و نگهبان را در زمینه پاسخگویی شرکتها حداقل در سه مرحله ایفا نمایند: ۱- تقاضای شفافیت عملیات تجاری ۲- مراقبت و توجه شرکتها در رفتار بهتر محیط زیستی از طریق اطلاع رسانی گسترده درباره آنها و ۳- افزایش آگاهی درباره رفتار شرکت در سطح محلی

۲۴۸ تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم، تابستان ۱۳۹۸

منابع:

- D. Geron, 'Human Rights And Transnational Corporations: Beyond Un Norms?' (Summary Of Discussions At The International Law Programme Discussion Group Of The Chatham House, London, ۲۱ October ۲۰۰۴) <Www. Chathamhouse. Org. Uk/Pdf/ Research/Il/Ilp۲۱۱۰۰۴. Pdf>.
- D. Ong, 'E Impact Of Environmental Law On Corporate Governance: International And Comparative Perspectives' (۲۰۰۱) ۱۲ European Journal Of International Law ۶۸۵.
- J. Ruggie, 'Presentation Of The Work Of The Special Representative Of The Un Secretary-General On Business And Human Rights To The ۷th Inter-Committee Meeting Of The Human Rights Treaty Bodies' (Geneva, ۲۴ June ۲۰۰۸) <Www. Business-Hum Anrights. Org/Documents/ Presentation-Human-Rights-Treaty-Bodies-۲۴-Jun-۲۰۰۸. Pdf>.
- P. Birnie And A. Boyle, International Law And The Environment (Oxford: Oup, ۲۰۰۲)
- Ph. Sands, 'E Environment, Community And International Law' (۱۹۹۲) ۳۰ Harvard International Law Journal ۳۹۳.
- R. T. Ako, 'Issues On Environmental Human Rights And Corporate Social Responsibility In The Niger Delta' (۲۰۰۵) ۱۵ Lesotho Law Journal ۱.
- R. Higgins, Problems And Processes. International Law And How We Use It (Oxford: Clarendon Press, ۱۹۹۴) ۱.